

**دریچه**

**برای واکوی تاریخ قرن بیستم در آثارش کوستا گواراس در جشنواره لوکارنو جایزه می گیرد**



**همدلی** | جشنواره لوکارنو ۲۰۲۲ با اهدای جایزه یک عمر فعالیت هنری از کوستا گواراس قدردانی می کند. به نقل از هالیوود ریپورتر، کوستا گواراس کارگردان شهیر فیلم‌هایی چون «زد» و «حکومت نظامی» امسال با جایزه یک عمر فعالیت هنری جشنواره لوکارنو تجلیل می‌شود و دو فیلم از فیلم‌های اولیه این کارگردان برنده اسکار شامل «حادثه‌های در ترن» محصول ۱۹۶۹ و «گروه حمله» محصول سال ۱۹۶۷ در این جشنواره نمایش داده می‌شوند. این کارگردان افسانه‌ای که برای ساخت فیلم‌های سیاسی چون «زد» و «گمشده» شهرت دارد و نزدیک به ۶۰ فیلم است که فیلم‌های سیاسی اجتماعی ساخته (۱۱ اگوست (۲۰مرداد) و «گمشده» شهرت دارد و نزدیک به ۶۰ فیلم است که فیلم‌های سیاسی اجتماعی ساخته (۱۱ اگوست (۲۰مرداد) را دریافت می کند. کوستا گواراس که برای تریلر سیاسی «Z» محصول ۱۹۶۹ شهرتی جهانی دارد در این فیلم به کودتای نظامیان در یونان ۱۹۶۷ پرداخته است و با آن جایزه اسکار بهترین فیلم بین‌المللی سال ۱۹۷۰ و اسکار بهترین تدوین را از آن خود کرد. فیلم «گمشده» وی نیز در سال ۱۹۸۲ برنده نخل طلای کن شد. این فیلم درباره دخالت سیاه در کودتای شیلی در سال ۱۹۷۳ است و چک لمون و سیسی اسپیسک در آن نقش آفرینی کرده بودند. این فیلم نامزد چهار جایزه اسکار شد و در نهایت کوستا گواراس برای آن جایزه بهترین فیلم‌نامه اقتباسی را دریافت کرد. جدیدترین فیلم کوستا گواراس «بزرگان در اتاق» که سال ۲۰۱۹ برای اولین بار در جشنواره فیلم ونیز به نمایش درآمد، درباره این است که چگونه اتحادیه اروپا پس از فروپاشی مالی سال ۲۰۰۹/۲۰۰۸ یک برنامه ریاضت اقتصادی وحشیانه را به یونان تحمیل کرد. مدیر هنری جشنواره فیلم لوکارنو از گواراس به‌عنوان چهره‌ای یاد کرد که بیش از هر کس دیگری تاریخ قرن بیستم را در فیلم‌هایش واکنوی کرده بدون اینکه هرگز ایدئولوژی‌ها روی برداشت‌هایش تأثیر گذاشته باشند. نازارو افروزد، گرچه گواراس به‌عنوان یک فیلم‌ساز سیاسی شناخته می‌شود اما بیش از هر چیز یک کارگردان مؤلف برجسته است که با حسسی فوق‌العاده از فرم و سبک، هرگز در یک ایده غرق نمی‌شود و به شکلی خستگی‌ناپذیر در رویکردهایش تجدیدنظر می‌کند. وی تجسم ایده واقعاً تخیلی از سینما به‌عنوان ابزاری برای پیشرفت و دانش است. فیلم‌سازی که هرگز گفتگو و مخاطب خود را رها نکرده و همیشه برداشت صریح خودش را از ارزش سرگرمی ارائه کرده است. او سال ۲۰۱۸ نیز با دریافت جایزه یک عمر دستاورد آکادمی جوایز فیلم اروپایی تجلیل شده بود. کوستا گواراس ۸۹ساله که برای دریافت جایزه‌اش در لوکارنو خواهد بود ۱۲ اگوست در یک کارگاه گفت‌وگوی تخصصی سینمایی شرکت می کند.

**تغییر در تقویم یک رویداد سینمایی جشنواره فیلم کودک امسال برگزار می‌شود؟**

**همدلی** | با توجه به شرایط فعلی در جریان تولید فیلم با موضوع کودک و نوجوان، احتمال برگزار نشدن جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوان در مهرماه سال جاری بسیار زیاد است. درحالی که کمی پیش‌تر از سه ماه تا برگزاری یکی از قدیمی‌ترین جشنواره‌های بین‌المللی سینمای ایران یعنی جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوان باقی مانده است، برخی از اخبار و شایدها حاکی از آن است که این جشنواره بین‌المللی در آستانه برگزار سی و پنجمین دوره خود قرار است به‌صورت دوساله برگزار شود. هرچند جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوان در سخت‌ترین شرایط ممکن برگزار شد که از آن جمله می‌توان به برگزاری دو دوره قبلی آن در حیوچه شیوع ویروس کرونا البته با شکل و شمایل متفاوتی نسبت به دوره‌های گذشته اشاره کرد و می‌توان گفت مدیران سینمایی در این دوره تمام تلاش خود را کردند که همین کورسوی امید را در سینمای کودک و نوجوان زنده نگاهدارند. بنیاد سینمایی فارابی در اردیبهشت‌ماه سال جاری خبر از شکل‌گیری کارگروه ارزیابی جشنواره فیلم کودک داد و با اعلام اعضای این کارگروه تأکید کرد به‌زودی جلساتی درباره چگونگی برگزاری این جشنواره بین‌المللی برگزار خواهد شد. هرچند پیش از شکل‌گیری این کارگروه، گفتگوها و گمانه‌زنی‌هایی برای برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوان به‌صورت دوساله‌انه شنیده می‌شد اما دیروز یکشنبه ۲۲ خردادماه، با توجه به برگزاری اولین جلسه کارگروه ارزیابی و برنامه‌ریزی جشنواره کودک و خروجی که از طریق روابط عمومی بنیاد سینمایی فارابی منتشر شد، نشان می‌دهد که گمانه‌زنی درباره برگزار ای جشنواره بین‌المللی به‌صورت دوساله‌انه دور از دسترس نیست و درباره این موضوع در این کارگروه مذاکرات صورت گرفته است. در بخشی از این خبر منتشرشده است که «راشه راهکارهایی درباره ارتقای حوزه سینمای کودک و نوجوان، برورن‌فت سینمای کودک و نوجوان از شرایط فعلی، برگزاری جشنواره به‌صورت سالانه یا دوساله، شرایط مناسب برای میزبانی جشنواره، بررسی جایگاه بین‌المللی جشنواره و چگونگی ارتقا این جایگاه از دیگر مواردی بود که در این جلسه موردبحث و ارزیابی قرار گرفت». اما نکته دیگر این است کاهش تولیدات در سینمای کودک و نوجوان، سبب شده است که تعداد آثاری که بخوانند در چنین جشنواره‌ای حضور پیدا کنند بسیار اندک است و به همین دلیل این امکان وجود دارد که سی و پنجمین دوره جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوان در مهرماه سال جاری برگزار نشده و این جشنواره از سال آینده به‌صورت دوساله برگزار شود.

**گفت‌وگوی «همدلی» با «آزاده بخشی»، به بهانه حضور آثارش در نمایشگاه «اسب و حیوانات هم‌زیست»**

**اولویت مردم خرید آثار تجسمی نیست**

**احمد رضا حجاززاده** | این روزها اگر به برج میلاد سسری بزیند، در طبقه دوم برج، گالری «هفتا» میزبان نمایشگاه گروهی جذابی از آثار نقاشی و مجسمه‌سازی هنرمندان با عنوان «اسب و حیوانات هم‌زیست» است. علاقه‌مندان به هنرهای تجسمی تا ۲۵ خرداد، از ساعت ۹ صبح تا ۲۱ می‌توانند از آثار هنرمندان در این نمایشگاه دیدن بکنند. یکی از هنرمندانی که با آثار نقاشی در این نمایشگاه شرکت کرده، «آزاده بخشی» است. این هنرمند نقاش زاده خردادماه سال ۱۳۵۹ است. با وجودی که او در رشته‌های مرتبط با هنر تحصیل نکرده و دارای مدرک کارشناسی حسابداری و کارشناسی ارشد MBA است، سابقه فعالیتش در عرصه هنر نقاشی به سال ۷۷ برمی‌گردد. او از کودکی به کلاس نقاشی علاقه‌مند بود اما خانواده‌اش به‌شروط قبولی در دانشگاه با شرکت او در کلاس‌های هنری، موافقت کردند؛ بنابراین پس از شرکت در کنکور، در کلاس‌های نقاشی استاد مخبری شرکت می کند.

چند سال بعد، آغاز تحصیل در دانشگاه، مانع ادامه کلاس‌های نقاشی می‌شود. گرچه طی دوره آموزشی استاد مخبری، در دو نمایشگاه گروهی شرکت می‌کند. تا سال ۹۱، بخشی با بهره‌گیری از اینترنت و کتاب‌های طراحی موجود در بازار، طراحی با رنگ‌روغن و مداد رنگی را تمرین می کند و حرفه‌ای تر می شود.

سال ۹۱ پس از اقفه‌ای ده‌ساله بین فعالیت‌های هنری‌اش، دوباره در آموزشگاه‌ها و زیر نظر استادان مختلف آموزش می‌بیند. سال ۹۴ در نمایشگاهی گروهی شرکت و سال ۹۵ نخستین نمایشگاه انفرادی‌اش را در گالری مستقل تهران برگزار می‌کند. او از سال ۹۸ تاکنون نیز به‌طور مداوم در برخی نمایشگاه‌ها شرکت داشته است. آزاده بخشی با سابقه شرکت در ۲۰ نمایشگاه گروهی، خبر می‌دهد به‌زودی دومین نمایشگاه انفرادی‌اش را برگزار خواهد کرد. به بهانه‌ی حضور آثار این هنرمند در گالری «هفتا»، گپ‌وگفتی با او داشته‌ایم.

**شما با دو تابلو در این نمایشگاه حضور دارید. آیا این نقاشی‌ها به بهانه شرکت در همین نمایشگاه اجرا شدند یا جزو کارهای آماده شما بودند که به دلیل تناسب با موضوع نمایشگاه، روی دیوار رفتند؟**

خیر، ساین تابلوها برای این نمایشگاه اجرا نشدند و جزو کارهایی بوده‌اند که از قبل داشتیم. چون من خیلی دیر به نمایشگاه رسیدم و در روزهای پایانی به این مجموعه اضافه شدم. چند تا از کارهای من را که استاد «محمدهادی فدوی» دیده بودند، برای حضور فیزیکی نقاشی‌ها در نمایشگاه انتخاب کردند.

**این دو تابلو را با چه تکنیک و متریالی ترسیم کرده‌اید؟ چرا کارهای پیش‌تری به نمایشگاه ارائه ندادید؟**

تابلو «اسب» و یکس‌مدیا روی بوم است؛ هم تکسچر دارد، هم اکریلیک و هم رنگ‌روغن. تابلو «گوزن» هم فقط رنگ‌روغن روی بوم است.

کارهای پیش‌تری ارائه ندادم، چون قانون نمایشگاه این بود که از هر آرتیست دو اثر روی دیوار گالری برود و سه اثر آنلاین یا دیجیتال روی ال‌سی‌دی‌ها نمایش داده بشوند. درواقع هر هنرمند سه اثر مجازی و آنلاین هم دارد و با پنج اثر در این نمایشگاه شرکت کرده است.

**در دو نقاشی شما، رنگ‌های سرد آبی و خاکستری غالب است. همچنین در تابلو «اسب»، رگه‌هایی از رنگ سرخ به شکل خون دیده می‌شود. نگاه ایده‌ی شما در این دو تابلو چه بوده؟ چرا از رنگ‌های بیش‌تر و روشن‌تری بهره نبردید؟!**

اگر مسیر نقاشی‌های من را دنبال کرده باشید، اصولاً در نقاشی‌هایم رنگ‌های اغلب سرد مثل طیف سبزه‌های خاکستری، انواع آبی‌ها یا خاکستری‌های بسیار روشن وجود دارند. قطعاً قسمتی از نقاشی‌های من، از خصوصیات ذهنی و حالات روحی و روانی‌ام در دوره‌ی مشخصی است.

بیش‌تر آشرم در دوران کرونا و دو سال اخیر کشیده شده‌اند. آن دوره برای من روزهای بسیار سردی بود. به‌هیچ‌وجه اتفاق‌های دلگرم‌کننده‌ای نبوده، با این‌که



میلاد حجاززاده

دارند. نکته‌ی جالب این بود که مردمی که به دلیل دیگری در برج میلاد حضور داشتند، نمی‌آمدند کنار آثار و عکس می‌گرفتند. خیلی پایین ارائه بشود. طی یکی‌دو سال اخیر گالری‌های اندکی بوده‌اند که در پایان QR (Barcode) می‌زدند تا نام اثر و هنرمند را ببینند. آوردن بچه‌ها هم فضای جالبی ایجاد کرده بود. ما به گالری‌های دیگر که می‌رویم، بازدیدکنندگان بچه‌ها را همراه نمی‌آوردند اما حضور بچه‌ها برایم جذاب بود. فکر می‌کنم تماشا کردن آثار هنری در این سن، در ذهن و روحشان تأثیر خوبی که گفتم، با نگاهی به مسیر نقاشی‌هایم در دوران اخیر، رنگ قرمز را در تابلو «گوزن» هم به شکل بندهایی روی شاخ‌ها دارم. در همه‌ی نقاشی‌های من خط‌های قرمزرتگی دیده می‌شوند که گاهی بند است، گاهی اثری است روی آن قسمت که حتی در دید شما، شاید به شکل خون تعبیر بشود. این خطوط قرمز جزو المان‌های مشخص کار من است؛ شاید نشانی از یک هشدار یا خطر و خط قرمزها باشد، یا مثلاً حالتی از محدودیت‌ها.

**اگر به تابلو «گوزن» دقت بکنید، روی شاخ‌هایش پر از بندهای قرمزی است که موجب شده گوزن بایستد و حرکت نکند اما در عین حال می‌بینیم بندها پاره‌شده و منقطع‌اند، بندهای محکمی نیستند، یعنی باوجود آن بندها هم می‌شود حرکت کرد اما او را نگه داشته‌اند. در مورد اسب هم پرش می‌بینیم، ولی آن رگه‌های خون به ما می‌گوید این پرش، شاید پرش موقتی نباشد! با این حال دوست ندارم آن را توضیح بدهم تا همان‌طور که در ذهن شما، آن رگه‌ها به شکل خون تداعی شد، برای دیگران نیز هر آنچه دوست دارند، تداعی بشود.**

**نظرتان درباره‌ی برگزاری نمایشگاه در گالری «هفتا» بر برج میلاد چیست؟! فکر می‌کنید مردم و اصولاً علاقه‌مندان جدی و حرفه‌ای به هنرهای تجسمی، این محیط را به‌عنوان مرکزی برای نمایش آثار تجسمی پذیرفته‌اند؟! آیا این گالری از دید شما به‌عنوان یک نقاش حرفه‌ای، ویژگی‌های لازم را برای به نمایش گذاشتن تابلوهای نقاشی دارد؟**

برای من تجربه‌ی خیلی جالبی بود که گالری هنریشه‌ای اندکی با گالری‌هایی که آنلاین یا دیجیتال بود؛ اما در این کارها، با این‌که مدت زیادی نیست گالری «هفتا» در حال فعالیت است، ولی خیلی حرفه‌ای به آن نگاه می‌کنند. در کل فضای گالری از خیلی دوست‌داشتیم، به دلیل تفاوت‌هایی که با گالری‌های دیگر سگس کردم. گرچه خیلی از گالری‌های تهران را دوست دارم که فضای حرفه‌ای و جذاب

دارند. نکته‌ی جالب این بود که مردمی که به دلیل دیگری در برج میلاد حضور داشتند، نمی‌آمدند کنار آثار و عکس می‌گرفتند. خیلی پایین ارائه بشود. طی یکی‌دو سال اخیر گالری‌های اندکی بوده‌اند که در پایان QR (Barcode) می‌زدند تا نام اثر و هنرمند را ببینند. آوردن بچه‌ها هم فضای جالبی ایجاد کرده بود. ما به گالری‌های دیگر که می‌رویم، بازدیدکنندگان بچه‌ها را همراه نمی‌آوردند اما حضور بچه‌ها برایم جذاب بود. فکر می‌کنم تماشا کردن آثار هنری در این سن، در ذهن و روحشان تأثیر خوبی که گفتم، با نگاهی به مسیر نقاشی‌هایم در دوران اخیر، رنگ قرمز را در تابلو «گوزن» هم به شکل بندهایی روی شاخ‌ها دارم. در همه‌ی نقاشی‌های من خط‌های قرمزرتگی دیده می‌شوند که گاهی بند است، گاهی اثری است روی آن قسمت که حتی در دید شما، شاید به شکل خون تعبیر بشود. این خطوط قرمز جزو المان‌های مشخص کار من است؛ شاید نشانی از یک هشدار یا خطر و خط قرمزها باشد، یا مثلاً حالتی از محدودیت‌ها.

**اگر به تابلو «گوزن» دقت بکنید، روی شاخ‌هایش پر از بندهای قرمزی است که موجب شده گوزن بایستد و حرکت نکند اما در عین حال می‌بینیم بندها پاره‌شده و منقطع‌اند، بندهای محکمی نیستند، یعنی باوجود آن بندها هم می‌شود حرکت کرد اما او را نگه داشته‌اند. در مورد اسب هم پرش می‌بینیم، ولی آن رگه‌های خون به ما می‌گوید این پرش، شاید پرش موقتی نباشد! با این حال دوست ندارم آن را توضیح بدهم تا همان‌طور که در ذهن شما، آن رگه‌ها به شکل خون تداعی شد، برای دیگران نیز هر آنچه دوست دارند، تداعی بشود.**

**رویداد**

**چند نکته درباره «موسیقی فجر» لطفاً تفکر قطارالرحالی را فراموش کنید**



**همدلی** | رضا مهدوی، نوازنده و پژوهشگر موسیقی، پیرامون شیوه‌برگزاری جشنواره موسیقی فجر یادداشتی نوشت. در بخشی از این یادداشت آمده است: زمانی گفته می‌شد جشنواره نیاز به آیین‌نامه دارد و چند باری هم در این پنج سال اخیر اصلاح شد اما گویی بیشتر گریبانگیر آیین‌نامه‌ای منزه داشت البته اگر مدیران بالادستی بخوانند که نمی‌خواهند چون تصدی‌گری را عالمانه و تجربه‌ایرانه بر خود می‌پسندند. بیابید برای یکبار هم شرح حرف تازه‌ای را بپذیرا باشیم که در اصل کهنه است ولی نشنیده گرفته‌شده تاکنون! از کارها و انتخاب‌های تکراری پرهیز کنید. نمی‌دانم تاکنون بررسی‌شده که فردی یا جمعی به‌طورجدی پژوهش‌محورانه بررسی کند که چرا بزرگان موسیقی از دهه هشتاد تاکنون حضور نیافتند و یا جستجوگریخته و بی‌انگیزه‌امند ...؟! چرا خلیخان جوان تعداد اندکی ششان حضور دارند ولی نه با آثار نو و تازه...؟! چرا افراد تکراری سال‌ها پشت سرهم و یا با فاصله‌علیرغم کاستی‌های فراوان در جایگاه با دریافت دستمزدهای نسبتاً هنگفت با کمترین اطلاعات اجرایی و انگیزه انقلابی انتخاب می‌شوند...؟! چرا اجراهای تکراری فرد و یا گروه‌هایی که گویی سرقفلی جشنواره‌اند و هرساله به یک‌شکل ثابت رفتار و ظاهر و اجراء دارند باید به‌عنوان زینت امجالس باشند...؟! چرا استقبال مردمی بسنده شده به اجراهای حاشیهای برج میلادی و سال‌ها قبل‌تر سالن وزارت کشور با عنوان بخش چنینی از منتخبان موسیقی مثل آن‌هم با اجاره خواهی از مافیای موسیقی...؟! اگر این گونه برای این نوع از موسیقی اهمیت قائلید و از عنوان چراغ روشنش هراس دارید در جشن انقلاب حداقل بیابید جشنواره مستقلی را برای انواع موسیقی پاپ تا رپ وطنی شده با زمینه‌های پژوهشی...آموزشی تدارک ببینید که حداقل این اوضاع اسفناک تولیدات پاپ فست‌فودی اجراهای فاخر و سنگین دیگر مخاطب ندارند و یا کم مخاطب هستند؟! باید تبلیغات مناسب دلیل آن است یا کیفیت و عناصری دیگر و یا اجرای گروه‌ها و البته انتخاب سردستی و محفلی و برحسب اضطرار و یا از روی ناچاری هیات انتخاب؟! حرف بسیار است و محاسب اندک، این قطره از دریای موسیقی ایرانی بر حسب تجربیات سال‌ها در آموزش، پژوهش، اجرا و رسانه دریافته‌ام که اگر با راهبردی دقیق با انتخاب فردی مورد وثوق اکثریت موسیقیدانان مسئولیت جشنواره‌ها به هنرمندی دغدغه‌مند و شجاع که منافع موسیقی ایران و هنرمندانش را تسرلوحه قرار می‌دهد صورت پذیرد، بخشی از مشکلات پیش روی دیگر نخواهد بود. در این صورت است که حداقل می‌توان شاهد حضور حداکتری چهره‌ها و گروه‌های برتر در جشنواره باشیم. با تجدیدنظر در بودجه‌ریزی و اختیار صرف تا صد جشنواره به دبیر و نبود نقد، خارج از شوروراهی دست و پاگیر و فرمایشی \_فرسایشی قطعاً توانمندان عرصه موسیقی می‌گذارند. بی‌شکند می‌شود شخصیت‌هایی چون استاد حسین علیزاده، استاد علی‌اکبر شکارچی، استاد کیهان کلهر و یا از نسل نو هم هنرمندانی مثل علی قصیری، اردوان کامکار، سیامک آقایی سکان هدایت جشنواره موسیقی فجر را به عهده بگیرند. در این صورت می‌توان متصور شد نگاه سنت‌محورانه جایش را به تحول و چابک سازی و اتاق‌های شیشه‌ای شسپار و به‌تدریج وارد جشنواره‌ای شد که جای‌اش را حس کرده و شاید دیگر غبطه نخوریم به جشنواره فیلم فجر در قیاس با موسیقی از هر لحاظ. برآستی چرا از موسیقیدانان زن با توجه به جایگاه‌های علمی، پژوهشی، آموزشی، اجرایی و بوجه مردم چه‌بسا از مردان موسیقی به عبارتی رُجل که زن و مرد را در عرصه سیاست شامل می‌شود نبوده‌اند...؟! به نظر می‌آید تفکر قطارالرحالی سالیانی است در معاونت هنری و دفتر موسیقی و خانه موسیقی تاریکعتی‌شده و تبدیل به باور. به نظر می‌رسد در دولت جدید با نگاه عمیق به عرصه هنر و فرهنگ و جریان سازی برای استحکام پایه‌های مبانی اصول و شریعت و فرهنگ و هنر لازم است اعتمادسازی از نوعی دیگر سرلوحه سیاست‌ها و انتخاب‌ها و غیره نمود عملی یابد و زمان مناسبی است که افکار نو و اعتمادهای تروتازه در بین مردم و موسیقاییان شکل بگیرد و گرنه جشنواره امسال هم پاشنه‌اش بر همان منوال قبل باری به هر جهت خواهد چرخید و بودجه‌ای اندک و تعدادی هنرمند و بیلان کاری و بدون دبیرخانه ثابتی خندانهدار تا سال بعد که خدا بزرگ است ... یادمان نرود تا زیرساخت‌ها درست فراهم‌سازی نشود نمی‌توان از موسیقی نحیف شده ایرانی در سطوح مختلف که موسیقی‌دانانش خارج از گردونه داخل و خارج یا در کنج خانه‌ها یا اجیان‌ها در آموزشگاهی رسمی یا دولتی آموزش می‌گذارند و جلوه‌ای ندارند بیش از این چیزی که در فعل هست حتی انتظار حداقل‌ها را داشت.

